

بررسی و مقایسه مسائل غنایی و اجتماعی در

اشعار فریدون مشیری و فروغ فرخزاد با آثار نقاشی فرح اصولی

چکیده

توجه فروغ در دوره نخست شاعری به شیوه سرایش مشیری سبب شده تا شعر این دو از نظر زبانی و عاطفی شباهت‌هایی داشته باشند. سادگی و صمیمیت زبان شعر مشیری، بسیار مورد توجه فروغ بود و از طرف دیگر غنای عاطفی اشعار مشیری فراتر از عاطفه حاکم بر شعر یک مرد است؛ علاوه بر این، تصاویر شعری این دو شاعر نیز متمایز جلوه می‌کند. روح لطیف آن‌ها مضامین اجتماعی را با تصویرسازی‌های نرم به گونه‌ای در چشم مخاطب جلوه‌گر می‌سازد که گویی نقاشی چیره‌دست، در ذهن آن‌ها نقش‌آفرینی کرد است. از این رو بررسی، این نقاشی‌های مجسم با نقاشی‌های مصور جالب به نظر می‌رسد؛ لذا ضرورت تحقیقی مستقل در این حوزه احساس می‌شود. با نگاهی به نقاشی‌های فرح اصولی درمی‌یابیم که این نقاش معاصر، با الهام‌گیری از اشعار معاصر به خلق اثر می‌پردازد. از همین رو مقایسه مضامین غنایی - اجتماعی اشعار فریدون و فروغ با نقاشی‌های وی، نقاط مشترک فراوانی در آثار این هنرمندان به دست می‌دهد.

اهداف پژوهش:

۱. مقایسه قوه تخیل شعر و نقاشی در مسائل اجتماعی.

۲. بررسی شباهت‌های مسائل اجتماعی در دو هنر متفاوت (هنر و شعر).

سوالات پژوهش:

۱. مسائل غنایی و اجتماعی در اشعار مشیری و فروغ چه جایگاهی دارد؟

۲. مضامین غنایی و اجتماعی در آثار فرح اصولی چه جایگاهی دارد؟

کلیدواژه‌ها: شعر غنایی و اجتماعی، فریدون مشیری و فروغ فرخزاد، نقاشی اجتماعی، فرح اصولی.

مقدمه

در پاسخ به اینکه چرا از بین شاعران معاصر، مشیری و فروغ را برگزیده‌ایم؟ باید گفت؛ تشابه زبان و تصویر و عاطفه این دو شاعر از علل اصلی بوده است. در این پژوهش سعی داریم با مشخص کردن اشعار غنایی - اجتماعی در آثار مشیری و فروغ، ضمن بررسی آن‌ها وجوه افتراق و اشتراک‌شان را بسنجیم؛ برای همین منظور لازم است بدانیم نوع غنایی - اجتماعی به چه نوع اشعاری اطلاق می‌شود؟ ما این تعبیر را برای آن دسته از اشعاری به کار می‌بریم که ضمن اشاره به موضوعات و مسائل مختلف اجتماعی، از مؤلفه‌های شعر غنایی نیز برخوردار هستند که ویژگی‌های غنایی آن‌ها بیشتر در بُعد زبانی و تصویرسازی نمایان می‌شود و در نوع بسیار پرننگ آن‌چنان درهم ادغام می‌شوند که تفکیک آن‌ها از هم امکان‌پذیر نیست؛ مثل اشعار سیاسی - عاشقانه شاملو که می‌توان گفت از بهترین نمونه‌های اشعار غنایی - اجتماعی در شعر معاصر فارسی هستند. در این اشعار تعبیرات و باورهای اجتماعی چنان با تعبیر عاشقانه درهم‌تنیده شده‌اند که نمی‌توان آن‌ها را از هم جدا دانست؛ شعر «مرگ نازلی» از بهترین نمونه‌های این‌گونه از اشعار شاملو است.

همان‌طور که می‌دانیم شعر اجتماعی به مفهومی که مورد نظر ماست، همانند بسیاری از موضوعات جدید، در عصر مشروطه وارد شعر فارسی شد. پیش از آن هرچند اشعار اجتماعی وجود داشت؛ ولی به گونه‌ای که شاعر خود را جزوی از اجتماع بداند، نبود؛ بلکه شعر پیش از مشروطه بیشتر فردگرا بود و پس از مشروطه است که تا حدودی به من اجتماعی و تأثیر و تأثرات فرد از اجتماع و بر اجتماع، توجه می‌شود که در پی آن، اشعار اجتماعی متولد می‌شوند. اگر بخواهیم برای شعر اجتماعی از دوره مشروطه شاهد بیاوریم، دستمان خیلی باز خواهد بود، ولی متأسفانه شعری که هم اجتماعی و هم غنایی باشد، به ندرت یافت می‌شود و اگر هم بتوانیم پیدا کنیم ارتباط و گره‌خوردگی مسائل اجتماعی و مؤلفه‌های غنایی کم‌رنگ خواهد بود. علت این امر نیز کاملاً واضح است؛ اندیشه‌مداری در شعر مشروطه مجالی برای توجه شاعران به ابزارهای انتقال معنی نمی‌داد و آن‌ها در تلاش بودند افکار و ایدئولوژی‌های خود را به ساده‌ترین شکل به مردم انتقال دهند. پرواضح است که موضوعی جدید و تازه وارد بدون داشتن زیبایی‌های بلاغی نیز مورد توجه قرار می‌گیرد و همین مسئله شاعران مشروطه را از ورود در عرصه‌های بلاغی شعر بی‌نیاز می‌کرد؛ هرچند که مقتضیات زمان نیز در این خصوص دخالت داشت.

پس از گذشت چند دهه از عصر مشروطه و تغییر اوضاع و شرایط سیاسی و اجتماعی، تلقی و بیان شاعران در خصوص مسائل اجتماعی نیز دستخوش تغییر و تحول شد؛ عده‌ای به سمت رئالیسم، عده‌ای به سوی رمانتیسم اجتماعی و گروهی نیز به سمبلیسم اجتماعی گرایش پیدا کردند؛ هرچند که هر شاعری دست‌کم چند نمونه اثر از هر کدام از این نوع شعرها داشت؛ ولی توجه عمده هر یک به یکی از این اشعار بود. در خصوص موضوعی که نگارندگان به بررسی آن پرداخته‌اند؛ منبع خاصی یافت نشد و به نظر می‌رسد که هرچند بسیار به بررسی آثار مشیری و فروغ پرداخته شده، ولی به صورت مقایسه‌ای دست‌کم در مورد این قبیل از اشعار آن‌ها کاری صورت نگرفته و احتمالاً نخستین بار است که چنین دسته‌بندی‌ای در شعر آن‌ها صورت می‌گیرد؛ اما در حالت کلی، مختصات اشعار مشیری و فروغ در کتب بسیاری مورد بررسی قرار گرفته است که از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به «با چراغ و آینه» از شفیعی کدکنی، «چشم‌انداز شعر معاصر ایران» از سید مهدی زرقانی، «جریان‌شناسی شعر معاصر» از یوسف عالی عباسی آباد و «جریان‌شناسی» حسین پور جافی و چندین کتاب دیگر که در مورد شعر معاصر و جریان‌های مربوط به آن نوشته شده‌اند، نام برد؛ گذشته از این آثار، کتاب‌های مستقلی در خصوص شخصیت و شعر و زندگی هر یک از این دو

شاعر، نوشته شده که می‌توان به «آیه‌های آه»، «پرشادخت شعر»، «در محفل عزای آینه‌ها» و... دربارهٔ فروغ اشاره کرد. در مورد مشیری نیز کتاب‌ها و مقالات فراوانی نوشته شده است مثل مقاله «نوستالژی اجتماعی در شعر مشیری» از دکتر مهدی ستودگان که در فصلنامه تخصصی زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی مشهد چاپ شده که مرتبط‌ترین نوشته با موضوع مورد بررسی ما است.

دلیل اصلی انتخاب این موضوع و فلسفه پرداختن به آن، شباهت زبان و عواطف شعری این دو شاعر است. همین دلیل سبب شد تا نگارنده به مقایسه اشعار غنایی - اجتماعی آن‌ها مبادرت ورزد؛ چراکه علی‌رغم وجود شباهت در اشعارشان، عکس‌العمل‌های متفاوتی نسبت به مسائل اجتماعی دارند که به نظر می‌آید بررسی آن‌ها خالی از لطف نباشد. از سوی دیگر تطبیق این مقوله با مضامین غنایی و اجتماعی در نقاشی‌های فرح اصولی می‌تواند نکاتی را در خصوص وجه اشتراک در انتخاب مضامین هنری و ادبی در دوره معاصر آشکار سازد.

نتیجه‌گیری

«مشیری» شاعر اجتماعی به معنی خاص کلمه نیست. او بیشتر دغدغهٔ زندگی آرام و بی‌سروصدا دارد و این آرامش را برای همه می‌خواهد. او از پیشرفت علمی و رفاه می‌هراسد؛ چراکه با بیشتر شدن آن‌ها ارزش‌های اخلاقی کم می‌شوند برای همین روستا را به شهر ترجیح می‌دهد؛ درحالی‌که دیگر شاعران معاصر او در دفاع از کارگران، زنان، طبقات محروم و مسائلی از این قبیل شعر می‌سرایند او نگران از بین رفتن صفا و صمیمیت است تا اینکه دلواپس عظمت از دست رفتهٔ ایران باشد؛ حتی نگاه او به جنگ نیز لطیف و احساسی است. به همین دلیل است که ساده‌ترین اشعار او نیز غنایی هستند. اشعاری که عمدتاً در قالب نیمایی سروده شده‌اند و بعدها کسانی مثل «فروغ» در عاشقانه‌هایش به او نظر داشت.

خط سیر اشعار غنایی - اجتماعی «مشیری» شبیه یک خط مستقیم است، یعنی از ابتدا تا انتهای شاعری به همان شکل اولیه به روال خود ادامه می‌دهد به همین دلیل بیشتر از این نمی‌توان در مورد شعر او و خصوصیات غنایی - اجتماعی اشعارش - که عمدتاً مدیون عنصر عاطفه و زبان ساده است - بحث کرد. در مورد فروغ قضیه کاملاً متفاوت است؛ با اینکه مشیری در حکم پیشرو برای او بود و حتی نخستین شعر فروغ - که جنجال به پا کرد - با عنوان «گناه» توسط مشیری چاپ شد و وی در مقاله‌ای با عنوان «دختری با انگشتان جوهری» به نقد این شعر پرداخت؛ ولی این ماجرا سبب نشد که فروغ شاعری مقلد باقی بماند، خیلی زود متوجه اهمیت شعر شد و در دفترهای پایانی تلاش کرد رسالت یک شاعر را به نحو احسن به انجام برساند. برای تحقق این مسئله هم از هیچ کوششی فروگذار نکرد؛ نگه‌نو، صنایع بدیعی، زبان خاص، سبک شخصی و هر مسئله‌ای را که در تحول شعر یک شاعر نقش داشت، متحول کرد و در نهایت فروغی شد که با اینکه بسیار جوان رفت، ولی ماندگار شد. می‌توان گفت که پس از مشیری، شباهت فروغ به نادرپور خصوصاً از نظر تصویرسازی قابل توجه است؛ ولی شباهت او با مشیری در زبان و عاطفهٔ پررنگ حاکم بر شعر است، با این تفاوت که در شعر مشیری از ابتدا تا انتها در یک خط مستقیم سیر می‌کند؛ ولی در آثار فروغ، رشد می‌کند و می‌بالد و به یقین اگر مجال می‌یافت پرورده‌تر و پخته‌تر هم می‌شد.

فهرست منابع و مآخذ:

- براهنی، رضا. (۱۳۷۱). طلا در مس. تهران: ناشر: نویسنده.
- جلالی، بهروز. (۱۳۷۵). جاودانه زیستن، در اوج ماندن. چاپ دوم، تهران: مروارید.
- رؤیایی، یدالله. (۱۳۵۷). از سکوی سرخ. تهران: مروارید.
- زرقانی، سید مهدی. (۱۳۸۷). چشم‌انداز شعر معاصر ایران، چاپ سوم، تهران: ثالث.
- زمانی نعمت‌سرا، کامران. (۱۳۸۰). در محفل عزای آینه‌ها. تهران: بهار دانش.
- سیاه‌پوش، حمید. (۱۳۷۶). زنی تنها (یادنامهٔ فروغ فرخزاد). چاپ اول، تهران: نگاه.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا. (۱۳۹۰). با چراغ و آینه (در جستجوی ریشه‌های تحول شعر معاصر ایران). چاپ دوم، تهران: سخن.
- _____ (۱۳۹۱). رستاخیز کلمات. چاپ سوم، تهران: سخن.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا. شاعرانی که با آنها گریسته‌ام، بوی باران؛ ۱۱۷.
- عالی عباس‌آباد، یوسف. (۱۳۹۱). جریان‌شناسی شعر معاصر. چاپ اول، تهران: سخن.
- عشقی، فهیمه. (۱۴۰۱). «رویکردی جامعه‌شناختی به آثار تصویری فرح اصولی (مجموعه فضیلت زخمی)». نشریه مطالعات هنر و زیبای‌شناسی. دوره ۲، شماره ۳، ۱۰-۱.
- فرخزاد، فروغ. (۱۳۸۲). دیوان اشعار. چاپ سوم، تهران: ارمغان یوسف.
- مرادی کوچی، شهناز. (۱۳۷۹). شناخت‌نامه فروغ فرخزاد. چاپ اول، تهران: قطره.
- مشرف تهرانی، محمود [م. آزاد]. (۱۳۷۶). پریشادخت شعر (زندگی و شعر فروغ فرخزاد). تهران: ثالث.
- مشیری، فریدون. (۱۳۷۶). بازتاب نفس صبحدمان (کلیات اشعار ۲ ج). چاپ هفتم، تهران: سرچشمه.
- نظامی عروضی سمرقندی. (۱۳۸۶). احمدبن عمر بن علی، چهار مقاله. به اهتمام دکتر محمد معین، چاپ سیزدهم تهران: صدای معاصر.
- نوری، علاء اسماعیل. (۱۳۴۸). صور و اسباب در شعر امروز ایران. چاپ اول، تهران: بامداد.
- منتقمی، فاطمه؛ دادخواه، پژمان و شریف‌زاده، محمدرضا. (۱۴۰۱). «خوانش بینامتنی نقاشی‌های فرح اصولی». پژوهش در هنر و علوم انسانی، دوره ۷، شماره ۱، ۱-۱۰.